

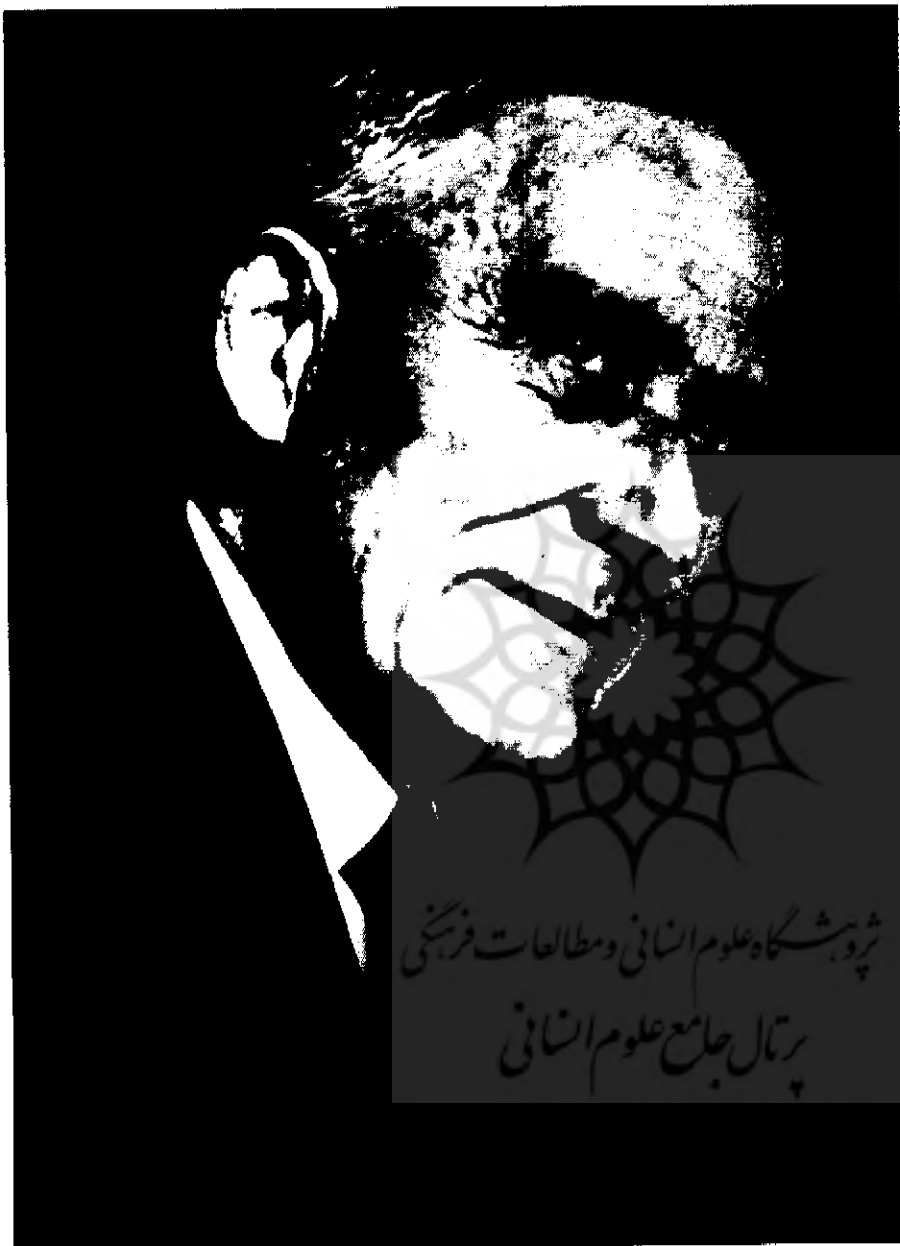
حلاج ایرانی

گزارش بزرگداشت
لویی ماسینیون، مستشرق فرانسوی

اشاره:

لویی ماسینیون (۱۸۸۳-۱۹۶۲) اسلام‌شناس و مستشرق فرانسوی از بزرگ‌ترین ایران‌شناسان معاصر است. وی به درجه دکتری در ادبیات رسید، استاد «کلژ دو فرانس» و رئیس «موسسه تبلیغات ایرانی» بود. تالیفات مهمی درباره تاریخ و هنر و ادبیات شرق و تحقیقات معروفی درباره حلاج دارد که از آن جمله‌اند: «حلاج صوفی شهید اسلامی»، «تصوف حلاج از جنبه فلسفه مابعدالطبیعی» و «دیوان حلاج». از این محقق آثار دیگری نیز در ارتباط با شرق به طبع رسیده است که عبارتند از: «نیایش ابراهیم در سدوم»، «شهر اموات در قاهره» و «مباهله مدینه و تقدیس فاطمه (ع)». روز دوشنبه چهارم تیرماه در محل دایره‌المعارف اسلامی با حضور سفیر فرانسه و چهره‌های فرهنگی دو کشور فرانسه و ایران گردهمایی بزرگداشت لویی ماسینیون، مستشرق، ایران‌شناس و اسلام‌شناس فرانسوی برگزار گردید. آنچه می‌خوانید گزیده‌ای است از سخنان سخنرانان این مراسم پیرامون شخصیت و آثار وی.

کاظم بجنوردی: بزرگداشت ایران دوستی
دانشمندان ارجمند و دوستان گرامی در آغاز این نشست فرخنده که برای بزرگداشت مقام علمی یکی از ایران‌شناسان بزرگ منعقد می‌شود، مسرورم که احترام اعضای شورای



عالی علمی و دیگر همکاران خود را در مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی به شما تقدیم کنم و مقدمتان را خوشامد گویم.

این مرکز چند سالی است که بزرگداشت دانشمندان، محققان و خدمتگزاران برجسته تاریخ و فرهنگ و ادب ایران سرزمین را وجه همت خویش قرار داده و امیدوار است نتایج تدابیری که اندیشیده در عرصه عمل ظاهر شود.

بی‌گمان پساداشت کوشش‌های سترگ دانشمندانی از شرق و غرب که لایه‌لای اوراق کهنه تاریخ غوطه می‌خورند و اجزای تاریخ و فرهنگ ما را پیش و پس از اسلام به هم می‌پیوندند و پرتوهای نو بر هویت ملی ما می‌افشانند وظیفه همه ماست. حقیقت آن است

که ما در مطالعات ایرانی باید خود را تا حد زیادی مدیون کسانی چون ماسینیون بدانیم که دیدگاه‌های تازه‌ای در برابر محققان تاریخ و فرهنگ ایران گشودند. لویی ماسینیون فی‌الواقع بنیانگذار مطالعات مربوط به تصوف اسلامی و ایرانی است. تحقیقات و آثار وی درباره حلاج هنوز معتبرترین و بهترین تحقیقات درباره اوست. تحقیق درباره حلاج ایرانی او را متوجه نقش عظیم فرهنگ ایرانی در بنای تمدن و فرهنگ عصر اسلامی کرد.

کتاب «سلمان پاک» او روایتی است جذاب و منفتح از اسبوه روایت‌های افسانه‌آمیز و حتی اساطیری درباره مردی که در منحنی حیات فکری و معنوی او از نژادپرستی و سیاحت و اسلام نقشی سترگ از قداست مرشدانه یک



پیر طریقت را نیز می‌توان دید. دیگر آثار ماسینیون هم غالباً مبتکرانه و سخت مفید است. آثار مردی که ۳۵ سال ریاست کرسی جامعه‌شناسی اسلامی را در کالج فرانسه و ۳۰ سال کرسی اسلام‌شناسی در مدرسه مطالعات عالی سوربون را برعهده داشت.

سهراب فتوحی: دوستی ایران و فرانسه

در ابتدا اجازه می‌خواهم از طرف انجمن دوستی ایران و فرانسه که افتخار ریاست آن با اینجانب است، به‌حضور شخصیت‌های مهم فرهنگی به مناسبت شرکت در مراسم بزرگداشت لویی ماسینیون خیر مقدم عرض کنم.

این گردهمایی نمایانگر قدرشناسی ما از یک شخصیت فرهنگی است که در پرتو فعالیت‌های قابل تحسین خود در سطح جهانی مورد تقدیر قرار گرفته و توانسته است گستردگی و غنای خلاقیت متفکران ایران را به جهان بشناسد.

در سال ۱۹۳۰ لویی ماسینیون پس از شرکت در یک کنگره شرق‌شناسی در باکو از طریق رشت وارد ایران می‌شود.

از خراسان که منطقه اصلی تبلیغ آرای حلاج و محل نگهداری اسناد مربوط به حلاج است دیدن می‌کند. او مدتی را در فارس و شیراز می‌گذراند. در سال ۱۹۳۴ برای افتتاح فرهنگستان ایران به ایران دعوت می‌شود ولی به علت تاخیر در افتتاح فرهنگستان نمی‌تواند برای افتتاح حضور یابد. در سال ۱۹۴۰ به عضویت فرهنگستان ایران انتخاب می‌شود که به علت وقوع جنگ در سال ۱۹۴۵ این امر به‌طور رسمی محقق می‌شود.

در همین دوره به‌عنوان استاد افتخاری دانشگاه تهران انتخاب می‌شود. لویی ماسینیون بعدها به ریاست موسسه مطالعات ایرانی انتخاب می‌شود و تا پایان عمر در این سمت باقی می‌ماند.

ماسینیون دیگر به ایران باز نمی‌گردد و در سال ۱۹۶۲ در دانشگاه تهران بزرگداشتی از وی توسط هانری کربن و همکاران ایرانی‌اش به‌عمل می‌آید. او در سال‌های آخر زندگی به دو شخصیت مورد احترام شیعه یعنی حضرت فاطمه و سلمان فارسی گرایش پیدا کرد.

رابطه ماسینیون با ایران همیشه یک رابطه رسمی بود، او همیشه به‌عنوان یک استاد به ایران سفر کرد و توسط مقامات دولتی از او استقبال رسمی به‌عمل آمد. او نه تنها یک شرق‌شناس بلکه یک تاریخ‌دان و سیاستمدار هم بود. معرفی کامل‌تر شخصیت مهم را به

عهده محققان و کارشناسان حاضر در این همایش می‌گذارم.

برنارد پولتی: ماسینیون، مبلغ صلح

قبل از هر چیز از دایره‌المعارف اسلامی و رئیس آن آقای بجنوردی و انجمن حکمت و فلسفه ایران و مجله بخارا به خاطر تشکیل این گردهمایی تشکر می‌کنم.

شما بهتر از من از افکار و آثار لویی ماسینیون در چهارراه ایرانشناسی، اسلام‌شناسی و همچنین فرهنگ و آشنایی با تصوف ایران و اسلامی آگاهید. او پیوندهای عمیقی با ایران داشت. او در ۱۹۳۰ با ایران آشنا شد و در ۱۹۴۰ عضو فرهنگستان ایران شد.

او دکتری افتخاری دانشگاه را داشت و از ۱۹۴۷ تا ۱۹۶۲ رئیس انجمن مطالعات ایرانی در پاریس بود. من در ارتباط با ماسینیون به چند نکته کوتاه اشاره می‌کنم. اول اینکه، پیام او امروزی و قدرتمند است. این پیام گفت‌وگو، درک متقابل و پیام باز بودن ذهن به معنویات و ادیان و تمدن‌ها است. این گفت‌وگوی بین تمدن‌ها چیزی است که در دوران پراشوب امروز پیش از هر چیزی بدان نیاز داریم.

در مرکز این پیام، اسلام ایرانی جایگاه ویژه‌ای داشت و باید بگوییم که از طریق آن بود که این مسیحی‌زاده توانست دوباره ایمان به خدا را بازابد. نکته بعد اینکه، لویی ماسینیون تمام فعالیت‌های خود را بر مبنای دردها و

الام خود قرار داده بود. او با توان بسیار در هر مبارزه برای دفاع از افکار سیاسی خود وارد می‌شد و تمهیدات اخلاقی، سیاسی و اجتماعی خود را انجام می‌داد. او بسیار به آزادی معتقد و ملتزم بود، چه آزادی فردی و چه جمعی.

او با مبارزات آزادی‌بخش بسیار همکاری کرد بخصوص در مورد آفریقای شمالی. در پایان کلام خود را به ماسینیون می‌سیارم با ذکر دو جمله از او که در نامه‌ای به نوشته است: «از زمانی که مسیحی شدم تمام زندگی‌ام به حرکت و عمل تبدیل شده و تمام این زندگی صرف جهان اسلام شد که مرا برای بازیافتن خدا یاری بخشید. این را مدیون برادران ابراهیمی خود هستم. من نه موقعیت‌طلب هستم و نه مجادله‌طلب، اما باید بگویم در دوستی و شرافت باید به هر قیمت پاک و صادق بود.»

من فکر می‌کنم کلمه اساسی در این دو جمله «دوستی» است که امروز ما را گردهم آورده است.

احسان نراقی: ماسینیون، حامی آزادی‌بیان

بنده در سال ۱۹۵۵ برای گذراندن رساله تحصیلی به پاریس رفتم و با ماسینیون آشنا شدم. ایشان به من گفتند که هرگاه مایل بودم در جلسات صبح یکشنبه منزل او شرکت کنم، البته وقتی رفتم به قدری محفل این مرد را لذت‌بخش یافتم که هر یکشنبه به آنجا می‌رفتم.

چیزی که در او دیدم و بی‌نظیر بود، عشق

و علاقه او به ملتی بود که درباره‌اش مطالعه می‌کردم. او مثل خیلی‌های دیگر تنها از دور آثار را مطالعه نمی‌کرد بلکه به عمق وجود انسانی آنها می‌رفت.

هرجا که می‌رفت اول سراغ روشنفکران و استادان دریند را می‌گرفت و ملاقات آنها را درخواست می‌کرد. او یک‌سال پس از سقوط مصدق به ایران آمد که همزمان بود با جشن بزرگداشت ابوعلی‌سینا. ماسینیون برای دیدن دکتر صدیقی در زندان اظهار علاقه کرد و زمینه آزادی او را فراهم کرد و این نمونه‌ای است از فعالیت‌هایی که این مرد در راه نجات و کمک به مردان اهل علم انجام داد.

یکی از کارهای جالب او روزگرفتن بود و تا از موضوعی ناراحت می‌شد سه روز روزه می‌گرفت. روزی با او درباره وضعیت روشنفکران جامعه ایران صحبت می‌کردم و او اظهار تعجب کرد و در همان لحظه مقاله‌ای با عنوان الیت قدیم و جدید یا همان روحانیون قدیم و روشنفکران جدید نوشت. او بی‌نهایت گذشت داشت و هیچ‌گونه خودخواهی در او دیده نمی‌شد و به‌نظر بنده در میان استادان خارجی بی‌نظیر بود.

هانری دو فوشه کور: حلاج ایرانی

اصل برجستگی آثار لویی ماسینیون بر استواری و همبستگی عناصر آن مبتنی است. ماسینیون در زمینه کشفیات مثل سایر دانشمندان نامدار به خاستگاه و دامنه پژوهش خود علاقه خاصی داشت یعنی مبدا تصوف. این علاقه نه تنها باعث کار کورکورانه نشد بلکه برعکس او به دوره‌ای از تاریخ تصوف پرداخت که در حقیقت فروزان‌ترین مرحله از این تاریخ است.

این دوره در حقیقت متعلق به حلاج است که استثنای ترین شخصیت تصوف در قرون اولیه آن است. برای نوشتن زندگی حسین منصور حلاج بایست به تمام سوابق او اشاره کرد، در نتیجه در شاهکار ماسینیون، او به تاریخ مبدا تصوف پیش از حلاج اشاره می‌کند و می‌توان گفت لویی ماسینیون با این تحقیقات، شالوده کلی مطالعات درباره تصوف را ریخت زیرا زندگی و دنیای صوفیان را به تمام وصف کرده است. ویژگی دوم اثر ماسینیون در این است که او حد و مرز دامنه پژوهش خود را با دقت تعیین کرده است.

او برخلاف پیشینیان خود معتقد بود که بررسی ادیان غیر از اسلام در ارتباط با تاریخ تصوف بی‌ارزش است. آشنایی ماسینیون با

ادیان و زمان قرون اولیه اسلام بسیار گسترده بود، به‌نظر او سادگی و نازگی واژگان خاص تصوف، پدیده‌ای جالب توجه است. از دید او سرچشمه اصلی این واژگان جز قرآن کریم کتاب دیگری نیست و قرآن کریم در حقیقت حاوی معنویتی جدید است.

ماسینیون همانند دیگر پژوهشگران کارآزموده شیوه‌ای را انتخاب کرد که مربوط به هدفش است.

او در مورد تحقیق در واژگان قرون اولیه تصوف شیوه خود را اینگونه تعریف کرد: «شخصا، آهسته و صبورانه و با تحقیق و تدقیق مستقیم و جامع، واژه‌نامه را تنظیم کردم.» ماسینیون در ادامه کوشش‌های خود برای تنظیم واژگان صوفیانه یک کتاب پراهمیت به نام «رساله‌ای درباره مبادی واژه‌نامه خاص عرفان اسلامی» نوشته است. این اثر در تاریخ‌نویسی سرمشقی مهم است.

گرچه او موضوع تحقیقات خود را محدود کرد اما این موضوع در دوره انتخاب شده آنقدر اهمیت داشت که برای شناخت بهتر تصوف حیاتی و روشنگر است. لویی ماسینیون راهی جدید در تحقیقات مربوط به تاریخ تصوف ترسیم کرده است.

البته همه می‌دانیم که هیچ پژوهشی بی‌خطا نیست. برای مثال او در کتاب خود به نقش پیشینیان حلاج و تاثیر آنها در افکار او کمتر پرداخته است.

به هر حال این مولف نشان داد که در جست‌وجوی معانی کلمات خاص تصوف، تفاسیر قرآن کریم بیشتر از هر کتاب دیگری کمک‌کننده است.

ماسینیون نشان داد که جمله «انا الحق» صرفا مربوط به حلاج نیست هر چند فراوان در افکار و آثار او به این جمله برمی‌خوریم. ماسینیون درباره این جمله تحقیقات مفصلی کرد و به معنای «حق» در زمان حلاج اشاره کرد. او به این موضوع پرداخت که در سنت حلاج این جمله چگونه باید معنی شود و اصولا بین حق و حقیقت چه تفاوتی وجود دارد. او معتقد است که حق نامی از نام‌های خداست و این نام مشاهده شدنی است.

غلامرضا اعوانی: ابعاد مختلف ماسینیون

سخن گفتن از لویی ماسینیون کار آسانی نیست. باید کسی چون خود او به جهت عظمت تا بتواند ابعاد مختلف شخصیت او سخن بگوید. او محقق و پژوهشگری تراز اول بود با آثاری بی‌نظیر به لحاظ عمق و معنی. اما اگر بگوییم

که او تنها یک پژوهشگر بوده است در حق وی ظلم کرده‌ایم. ماسینیون یک اسلام‌شناس بود که اسلام را نه به‌صورت سطحی بلکه عمیقا می‌شناخت و توانسته بود فهم جدیدی از اسلام را به غرب ارائه کند. لویی ماسینیون مستشار پاپ پیوس یازدهم و دوازدهم بود و در نوشتن منشور دوم واتیکان که در آن اسلام به رسمیت شناخته می‌شود، نقش مهمی داشته است.

این مطلب را یکی از کاردینال‌های بزرگ واتیکان به نام کوتیه به من گفت. او البته نه تنها انسانی ساده نبود بلکه تا حدی عارف هم بود که در زندگی و سلوک وی بسیار تاثیری گذاشته است. قرن ۱۹ و ۲۰ مستشرقان و اسلام‌شناسان بزرگی ظهور کردند. اما در میان آنها، ماسینیون از چند جهت درخشش خاصی دارد. زیرا تحت‌تاثیر گرایش‌های خاص آن زمان در اروپا، مانند تاریخ‌نگاری یا سطحی‌گرایی رایج قرار نگرفت.

او به فهم معانی و حقایق و تمسک به آنها بسیار علاقه‌مند بود. او اسلام را در عمق آن بیان و ادراک می‌کند و قدرت فهم عرفان در عمیق‌ترین وجه آن و بیان آن را دارد. چنانکه در آثار او درباره حلاج به روشنی ملاحظه می‌شود.

یکی از مهمترین خصوصیات ماسینیون بررسی همه‌جانبه فرهنگ اسلامی است. معمولا کسانی که به اشراق یا اسلام‌شناسی پرداخته‌اند فقط یک وجه اسلام را مورد بررسی قرار داده‌اند و از پرداختن به دیگر وجوه غفلت کرده‌اند. او از باستان‌شناسی اسلامی گرفته که خود مدت‌ها در عراق به این کار مشغول بوده و حاصل کار را در دو جلد چاپ کرده تا مسائل اجتماعی و فرهنگی جهان اسلام تحقیق و تدقیق کرده است.

درباره نهادهای سیاسی اسلام، نظریات فلسفی و کلامی، درباره فرقه‌های اسلامی، درباره ملل و نحل اسلامی خاصه گرایش‌های باطنی اسلامی مطالب عمیقی دارد. او بخصوص درباره شیعه نظریات و آثار برجسته‌ای دارد.

ما باید از پیدایش شخصیت‌هایی ماندن ماسینیون درس عبرت بگیریم و بدانیم که چگونه یک ماسینیون ساخته شد، چه دانشگاهی بود که ماسینیون را تربیت کرد. او در رشته‌های مختلف تحصیل کرده بود. ماسینیون در زمینه ادبیات عرب مدرک داشت و با بهترین ادیبان فرانسه در زمینه ادبیات فرانسه درس خوانده بود. دارای لیسانس ریاضی بود و دیپلم مطالعات عالی در ادیان داشت. او همه این تخصص‌ها را در پژوهش

خود به کار گرفته است. همچنین او بسیار سفر کرده است.

سال‌ها در الجزایر و مراکش بسر برده است و در ۱۹۰۶ به مصر رفت و عضو انجمن باستان‌شناسی فرانسه در قاهره بوده است و در سال ۱۹۱۴ در سن ۲۹ سالگی ۴۰ سخنرانی به زبان عربی کرده است. این خیلی جالب است چون ما امروز در حال عرب‌زدایی از زبان و فرهنگ خود هستیم ولی یک استاد ۲۹ ساله فرانسوی ۴۰ سخنرانی به زبان عربی در قاهره ایراد می‌کند و این سوال بسیار مهمی است که چرا جوانان ما تا این حد از زبان عربی متنفرند.

ماسینیون در قاهره از طریق آثار فریدالدین عطار با حلاج آشنا می‌شود و برای همیشه شیفته او می‌شود و آثار بسیاری در شرح آثار و احوال حلاج منتشر می‌کند. آثاری مانند: مطالعات درباره حلاج در ۱۹۰۷، دیوان حلاج در ۱۹۳۱، اخبار حلاج در ۱۹۵۷، استاد اخبار حلاج ۱۹۴۶، سرگذشت حلاج پس از وفات او در ۱۹۴۶، منحنی زندگانی حلاج در ۱۹۴۷، اسطوره حلاج در کشورهای ترک‌زبان که این

کتاب را در مدت اقامت در ترکیه طی دوران جنگ جهانی دوم نوشته است. او همچنین مدیر مجله عالم اسلامی و مجله مطالعات اسلامی در سال ۱۹۲۷ بوده است.

او علاوه بر حلاج بسیار به اسلام ایرانی پرداخته است که با کتاب «سلمان پاک» به کشف اسلام ایرانی می‌پردازد. در کنفرانس ارنوس، که شهیرترین علما و فیلسوفان و دانشمندان در آن شرکت می‌کردند و در پنجمین همایش در سوئیس او نخستین مقاله خود را با عنوان «شعائر عرفانی حضرت فاطمه در اسلام» ارائه می‌کند، او همچنین صاحب مقالاتی درباره میاهله و اصحاب کهف است که در آنها از تاریخ اسلام دفاع کرده است. اما واقعه مهم در زندگی او مسیحی شدن از طریق اسلام است. من این موضوع را هم از دکتر نصر و دکتر کربن بارها شنیده‌ام که او با مطالعه آثار حلاج به مسیحیت رجعت می‌کند.

سفر او به عراق و آشنایی او با جامعه مسلمانان باعث یک تحول معنوی در او می‌شود و به قول خودش حضور خداوند را در یک مکاشفه احساس کرد. این باعث می‌شود که

او رسماً به آیین مسیحیت درمی‌آید و کشیش می‌شود.

او گرچه کاتولیک بود اما تنوع روحی آن را نپذیرفت بلکه به سمت بی‌زانی آن جلب می‌شود. شخصیت ماسینیون را می‌توان از شاگردانش شناخت. بزرگ‌ترین شاگردان او کربن است. کربن یک فیلسوف و حکیم به تمام معنا بود و تمام علم خود را مدیون ماسینیون بود. او در کلاس درسی که با ماسینیون داشت یک نسخه از کتاب حکمت‌الاشراق را برای تحقیق دریافت می‌کند و مطالعه این کتاب باعث علاقه مفرط او به شوق و اشراق می‌شود. از دیگر شاگردان او دکتر عبدالحلیم محمود، رئیس دانشگاه الازهر است که کتاب‌هایی درباره امام زین‌العابدین، امام جعفر صادق و ابویزید بسطامی دارد و اینکه یک شیخ الازهر به چنین مطالبی بپردازد بدون شک ناشی از تاثیر افکار ماسینیون بر فکر شاگرد حکایت می‌کند.

او همیشه از حق و عدالت دفاع می‌کرد مانند دفاع از مردم فلسطین، اعتراض به دولت فرانسه به دلیل تبعید سلطان محمد سلطان مراکش، درخواست عفو عمومی برای زندانیان ماداگاسکار، حمایت از استقلال الجزایر و مخالفت با نقشه استعمار در تضعیف زبان عربی کلاسیک.

بهمین نامور مطلق: پیوستگی ماسینیون و

کربن

پس از گذاشت چند دهه از درگذشت ماسینیون می‌توان از جنبه‌های مختلف به بررسی و نقد آثار و افکار او پرداخت. اما امروز من سعی می‌کنم نگاهی بین‌متنی و بین‌شخصیتی به ماسینیون ببندم. بین‌شخصیتی از این جهت که قصد دارم بین ماسینیون و هانری کربن مقایسه‌ای انجام دهم.

ارتباط ماسینیون و کربن با ایران یک ارتباط متقابل یا به عبارتی نوعی نیاز مشترک بوده است. اوایل قرن بیستم به خاطر جنگ‌های مکرر، در دوره بین دو جنگ جهانی که مورخان آن را «شب قرن بیستم» نامیده‌اند؛ یک وضعیت بحرانی از نظر روحی، روانی، اجتماعی، فکری و فلسفی در کل اروپا حاکم شد. اندیشمندان و متفکران اروپایی برخورد‌های متفاوتی با این شب تاریک داشتند.

عده‌ای معتقد بودند به اینکه اروپا از سر منزل زلال مسیحیت دور افتاده و باید با یک بازنگری و اصلاح به اصل مسیحیت بازگردد. عده‌ای هم به دنبال راه‌حلی‌هایی خارج از اروپا بودند.

از جمله این افراد ماسینیون بود. پس به

